

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی و مجموعی

برگه جلسه :

صفحه 1665 و 1666

(جلسه هشتاد و چهارم)

رفتارشناسی محقق خوبی در مسأله<sup>1</sup>

ایشان تنها دو روایت را دال بر توقف می‌داند: مقبوله ابن حنظله و خبر سماعة بن مهران، لکن هیچ کدام را صالح برای اثبات گزینه توقف در مقام نمی‌داند. راجع به مقبوله ابن حنظله مشکل سند، اختصاصش به فصل خصومت و وقت حضور (و امکان لقای امام - علیه السلام -) را مطرح می‌نماید. در فصل خصومت هم نه جای توقف است و نه جای احتیاط (ص 404 و 405). در پیوند با روایت سماعة هم ضعف سند، معارضه با مفاد مقبوله و اختصاصش به زمان حضور را عنوان می‌کند. نسبت به ناسازگاریش با مقبوله می‌فرماید:

«حیث حکم فیها (در مقبوله) بالتوقف بعد فقد المرجح لاحدی الروایتین و هذا الخبر يدل علی وجوب التوقف من اول الامر و الاخذ بما فیہ الترجیح عند عدم امکان التوقف» (ص 405).

البته ایشان در پاسخ به سوالی مقدر که روایات توقف در زمان شبهه بیش از این دو روایت است، می‌فرماید: «و أما الروایات العامة الدالة علی التوقف عند الشبهة، فهي و إن كانت كثيرة الا أنه علی تقدير تمامية دلالتها مخصصة بما دل علی الاخذ بأحد الخبرین المتعارضین تعیناً أو تخیراً. بل مع تمامية دلالة الدلیل علی التخییر أو الترجیح. لا یكون الاخذ باحد المتعارضین ارتکاباً للشبهة، فیکون خارجاً من تلك الروایات موضوعاً» (ص 405).

ایشان در میان اخبار علاجیه، فقط مرفوعه زراره را دال بر احتیاط می‌داند. و در مورد آن می‌فرماید:

این روایت به جناب علامه نسبت داده شده، لکن در کتب ایشان دیده نشده است، ضمن این که وثاقت نسبت دهنده و کتاب وی ثابت نیست (ص 45). با این فرایند است که وی می‌فرماید:

در مقام، دو گروه از اخبار باقی می‌ماند: ما يدل علی التخییر و ما يدل علی الترجیح. ایشان اخبار هشنگانه تخیر را به ضعیف السند یا غیر دال یا هر دو تقسیم می‌کند (از ص 423) از این رو در مورد آن‌ها می‌فرماید: «ان الاخبار الواردة لا تنهض لاثبات التخییر» (ص 411).

البته در وقت نبود مرجح، تخیر را قبول دارد (ص 412).

ایشان به بیانی که قبلاً از وی نقل شد، با روایت ابن حنظله کنار نمی‌آید و اگر از مرجحات صحبت می‌کند به برکت روایات دیگر است. روایاتی که در آن‌ها دو مرجح یعنی موافقت با کتاب و مخالفت با عامه ذکر شده است. وی بودن این روایات را در مقام تمییز حجت از لاجت قبول ندارد. (ص 409 و 414 و 407). واضح است که داوری ما نسبت به کلمات ایشان شبیه همانی است که نسبت به کلمات دیگران عرضه شد. راه حل ارائه شده از سوی ایشان فاقد برخی عناصر لازم است که در مجال تحقیق ذکر می‌شود.

(پایان جلسه)

از محقق مؤسس حایری «قدس سره»<sup>2</sup>

محقق حایری در دو مقام بحث را برگزار می‌کند: فرض تکافؤ و فرض عدم تکافؤ.

در فرض اول به اقوال و وجوهی اشاره می‌کند از قبیل: تخییر - توقف - اخذ بما یوافق الاحتیاط - تفصیل بین ما لا بد فیہ من العمل فالتخییر و بین غیره فالتوقف (کما حکى عن عوالی اللثالی) - او التفصیل بین دوران الامر بین محظورین فالتخییر و غیره فالتوقف - او التفصیل بین حق الله فالتخییر و حق الناس فالتوقف (کما نسب الی الوسائل).

وی اندیشه مشهور - الذی علیه جمهور المجتهدین - را گزینہ اول (تخییر) می‌داند (ص 277 و 278).

وی تعارض بین اخبار تخییر و توقف را انکار نمی‌کند، لکن با سیری نسبتاً طولانی در پایان می‌فرماید:

«الحاصل أنّا ندعی ان اخبار التوقف بملاحظة ما قلنا منصرفه الی حرمة القول بالرأی فی تعیین مدلول کلام الشارع فاذا ورد دلیل دال علی التخییر فی مقام العمل فلا منافاة بینہ و بین تلك الاخبار و الشاهد علی ذلك ایضا قولهم (ع) بعد الامر بالتوقف فی بعض الاخبار و لا تقولوا فیہ بارتکابکم. و ان ابیت عن الانصراف المذكور یمکن ان یقال ان مدلول اخبار التوقف اعم مطلقاً من مدلول اخبار التخییر لان الاول یرجع الی النهی عن امور منها القول بغير العلم فی مدلول الخبرین و منها الاخذ بخبر خاص حجة علی انه هو الحجة لا غیر و منها اخذ احدهما حجة علی سبیل التخییر و اخبار التخییر تدل علی جواز الاخير فیجب تقييد تلك الادلة بها». (ص 280).

ایشان نسبت به فرض دوم (کان لاحد الخبرین مزیه علی الآخر) - بعد از اشاره به اندیشه مشهور مبنی بر وجوب ترجیح - (ص 282) می‌فرماید (با تلخیص):

«الانصاف ان اثبات وجوب الترجیح بهذه الاخبار مشکل من وجوه: احدهما اختلاف هذه الاخبار حيث ذکر فی بعضها موافقة الكتاب و السنة و فی بعضها مخالفة العامة و دعوی ان المقصود فی المقام هو الايجاب الجزئی فی مقابل السلب الکلی مدفوعة، بأن حمل کلام السائل علی خصوص مورد الافتراق فی کمال البعد و حمل کلام الامام - علیه السلام - علی ذلك يستلزم تأخیر البیان عن وقت الحاجة (ص 287) وی سپس به برخی اشکالات دیگر وجوب ترجیح (به زعم خود) اشاره می‌کند و جانب تخییر را مقدم می‌کند (ص 288 و 289)، لکن در کمال تعجب یکدفعه می‌فرماید:

«ان الاخبار الدالة علی تقديم الخبر الموافق للكتاب و المخالف للقوم بالغة حد الاستفاضة بل لا یبعد دعوی التواتر فیها... فتلخص من جمیع ما ذکرنا ان الترجیح بموافقة الكتاب لازم ثم بمخالفة القوم». (ص 291). و البته این در حالی است که ایشان چون سلف صالح خویش مسأله موافقت با کتاب و مخالفت با عامه را باز نکرده است و رفتارش پذیرای برخی ملاحظات جدی است. هر چند در موردش باید گفت: «علی الله اجره و لله درّه».

1. مصباح الاصول، ج 3، صص 404 - 426.

2. درر الاصول، ج 2، صص 277-291.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

رفتار شناسی محقق خویی

بحث ما تحت عنوان رفتار شناسان عالمان اصول در ارتباط با اخبار علاجیه بود. امروز رفتار آقای خویی را بررسی می‌کنیم. چون قدری طولانی است (نزدیک به 19 صفحه) من خلاصه می‌کنم. ایشان در بین اخباری که به اخبار علاجیه معروف است دو روایت است که دلالت بر توقف می‌کند. طبیعتاً توقف (با نگاهی که مرحوم آیت الله مؤسس بیان می‌کند) با روایات تخییر تعارض نداشته باشد قطعاً با روایات دال بر ترجیح منافات دارد از این جهت باید ببینیم از پس روایات دال بر توقف چطور باید بر بیابیم؛ ایشان معتقد است فقط دو روایت است که دلالت بر توقف می‌کند یکی مقبوله ی ابن حنظله (البته ایشان قبول ندارد و اگر تعبیر به مقبوله می‌کند از باب همراهی با قوم است و الا ایشان مقبوله را نمی‌پذیرد) و روایت دوم روایت سماعة بن مهران

است ولی این دو روایت هیچ کدام نمی تواند گزینه ی توقف را در مسأله ی متعارضین ثابت کند به دلیل سه مشکلی که در روایت مقبوله است و سه مشکلی که در روایت سماعه بن مهران است. اما سه اشکالی که مقبوله دارد یکی اشکال سند است ایشان معتقد است که ابن حنظله وثاقتش ثابت نیست و البته برخی هم با ایشان همراه هستند هرچند مشهور همراه ایشان نیستند. مشکل دوم: این روایت مختص به فصل خصومت است و اگر در فصل خصومت گفتند توقف در متعارضینی که می خواهیم بر اساسش فتوا دهیم هم باید بگوییم توقف؟ به هیچ وجه. سوم: این روایت مربوط به زمان حضور و امکان لقای امام است. پس این روایت به خاطر این سه مشکل از کار می افتد. اما سه مشکلی که روایت سماعه دارد این است که: اولاً مشکل سند دارد. دوم: اختصاصش به زمان حضور. سوم: معارضه اش با مفاد مقبوله؛ چون در مقبوله ابتدا امام توقف را مطرح نکردند بلکه مرجحاتی را بیان کردند بعد که ابن حنظله پرسید اگر هیچ کدام از این مرجحات نبود حضرت توقف را فرمودند در حالی در روایت سماعه در همان ابتدا توقف آمده و بعد که می پرسد اگر من مجبور به عمل بودم و نمی توانستم توقف کنم امام مرجح را بیان می کنند. نتیجه ای که از کلام ایشان گرفته می شود این است که گزینه ی توقف در مسأله اثبات نمی شود و روایتی که مربوط به این گزینه است کنار می رود و گزینه ی توقف از صحنه خارج می شود و این کمک می کند به جمع بین اخبار. البته ممکن است در این جا کسی بگوید: فقط همین دو روایت نیست که دلالت بر توقف می کند بلکه ما روایات متعددی برای توقف داریم که در هنگام شبهه توقف کنید البته مخصوص متعارضین نیست ولی گستره اش متعارضین را هم می گیرد. ایشان پاسخ می دهد: آن روایات نمی تواند در باب تعارض بیاید چون در باب تعارض فرض بر این است که ما روایت حجت و معتبر داریم و موردمان مورد شبهه نیست اما معارض پیدا کرده است در حالی که آن روایات برای جایی است که واقعا شبهه است و هیچی نداریم اما در این جا احد الخبرین (هر دو شرایط حجیت را دارند) را باید بگیریم (چون فرض این است که در این جا اصل تساقط هم نیست و نباید فراموش کنیم که ما از اصل عبور کردیم و گفتیم اصل اولی تساقط است ولی طبق اخبار علاجیه دیگر تساقطی در کار نیست حال یا توقف یا تخییر یا ترجیح یا احتیاط ولی علی ای حال جای توقف به معنای این که دست ما خالی باشد نیست) حالا یا به صورت ترجیحی یا تخییری اما این طور نیست که دستمان خالی باشد و مثل شبهات بدویه باشد.

پس در اخبار علاجیه نباید اخبار توقف را بشماریم و آن ها را باید کنار بگذاریم.

برخی از روایات دال بر احتیاط بود، ایشان می فرماید: روایات احتیاط هم روایاتی نبوده بلکه یک روایت بود و آن هم از کتاب عوالی الثالی، عوالی هم از علامه حلی، علامه حلی هم از زراره و جالب این است که در کتاب های علامه هم دیده نشده است از نظر منبعی که عوالی نقل می کند، خود عوالی هم ضعیف است پس وثاقت روایت احتیاط هم ثابت نیست و از صحنه خارج می شود. پس می ماند دو دسته از روایات یکی روایات تخییر و یکی هم روایات ترجیح که معمولاً اصولی ها در این جا معطل شده اند و اختلاف ها هم از همین جا شروع می شود.

ایشان یک کار جدیدی می کند که در کلمات دیگر علما دیده نمی شود. ایشان می فرماید هشت روایت در تخییر داریم (که ما نه یا ده مورد نقل کردیم) این روایات برخی سند ندارد هرچند دلالتش خوب است و برخی سند دارد و دلالت ندارد و برخی هیچ کدام را ندارد و ایشان با روشی که دارد روایات را یکی یکی بررسی می کند و اگر مشکلی داشته باشد روایت را زمین می زند و چیزی هم به نام تعاضد حلقوی و هرمی هم ایشان معتقد نیست (قبلاً ما این روش ایشان را نقد کردیم و گفتیم که این روش روش درستی نیست و یک مقارنه ای هم داشتیم بین روش ایشان و کاری که خودمان در روش شناسی اجتهاد معتقد هستیم) ایشان روایات تخییر را بر خلاف آقای آخوند معتقد است که (البته ایشان تخییر در فرضی که روایات متکافئین بودند را می پذیرد، در صورتی که متعارضین متکافئین باشد دیگر نیاز به روایت نیست و عقل می گوید و مشکل در جایی است که مرجح باشد) تخییر دلالتی ندارد. می ماند روایات دال بر ترجیح. ایشان با روایت ابن حنظله کنار نمی آید و این روایت را کنار می گذارد و معتقد است که روایات ترجیح منحصر به آن و امثال آن نیست بلکه روایاتی که ما تحت عنوان روایات عرضه و طرح مطرح کردیم وجود دارد و وقتی آن روایات را نگاه کنیم با دو مرجح برخورد می کنیم یکی موافقت با کتاب و دیگری مخالفت با عامه. هر کدام باشد کافی است. ممکن است کسی بگوید آن روایات برای تمییز حجت از لا حجت است نه ترجیح راجح بر مرجوح. ایشان پاسخ می دهد که به چنین حرفی معتقد نیستیم لذا برخی دارد که هر کدام موافق با کتاب بود بگیر یعنی روایت را بگیر نه قرآن را بگیر و مخالف را بگذار کنار یعنی در فرض حجیت اگر فرض حجت و لاجت بود می گفت آن یکی اصلاً حجت نیست. ایشان

در موضعی از کتابشان دلیل می آورد که برای ترجیح است نه تمییز حجت از لا حجت، محقق عراقی هم به همین نتیجه رسید و به همین دو مرجح رسید فردا خواهیم گفت که محقق حائری هم به همین دو مرجح می رسد این ها کسانی هستند که مقبوله را قبول نمی کنند و به سراغ اخبار عرضه و طرح می روند چون روایات عرضه و طرح را ناظر به تمییز حجت از لا حجت نمی گیرند یا منحصر به آن جا نمی کنند در نتیجه این دو تا مرجح را قبول می کنند اما بقیه ی امور را از باب ترجیح به حساب نمی آورند. ما معتقد هستیم برخی (متعدد) از عناصر که باید در این بحث ها بیاید و نیامده است نمونه اش رفتاری است که ایشان با اخبار تخییر دارد وقتی که اخبار تخییر را زمین بزنیم از آن طرف اخبار توقف را هم کنار بگذاریم خبر احتیاط را هم کنار بگذاریم در اخبار ترجیح هم مقبوله را کنار بگذاریم دیگر چیزی نمی ماند و مشکلی باقی نمی ماند اما اگر مثل ما نتواند اخبار تخییر را کنار بگذارد و بگوید این ها در کنار هم و در یک نظام حلقوی حداقل می توانند تشکیل دهنده ی یک روایت معتبر باشند قهرا این سؤال پیش می آید که تخییر یا ترجیح؟ یا مقبوله ی ابن حنظله را با تمام مشکلاتی که در سندش وجود دارد اطمینان به صدورش داشته باشد و بگوید که امثال ابن حنظله کسانی نبودند که بتوانند این طور مطالب را ردیف کرده و بیان کنند، به ناچار باید راه دیگری را طی کند مخصوصا بزرگوارانی که موافقت با کتاب و مخالف با عامه را بیان نمی کنند که مراد از آن چیست؟ اگر مراد از موافقت به نحو عام و خاص است که اصلا تعارض نیست و اگر غیر از آن است چطور حجت است که ما بگوییم روایات عرضه و طرح برای جداکردن حجت از لا حجت نیست بلکه برای جدا کردن راجح از مرجوح است و مرجوح از راجح است. علی الحساب به نظر ما فرمایش ایشان هم برای حل اخبار علاجیه فی نفسه کامل نیست و هم با جهات بیرونی و ابهاماتی که دارد مثل همین روشن نبودن موافقت با کتاب مبتلا به برخی از اشکالات است.